

## درس ششم: قضیه حملی

یکی از ساختارهای اصلی در هر زمان جمله است اما همه جمله ها در منطق اهمیت ندارند . جمله ها دودسته اند: انشایی و خبری

انشایی: مثل سوالی، امری، دعایی، نهی، تعجبی ندا خبری از عالم خارج از ذهن ما نمی دهد.

سوالی: مثل امروز چه روزی است

امری کتاب را به من بده

نهی آنجا نرو

دعایی ایکاش موفق شوم

تعجبی چه تابلو زیبایی

ندایی ای خدای مهربان اینها انشایی هستند که در واقع خبری از عالم خارج از ذهن ما نمی دهند.

تمایلات ، احساسات ، آرزوها و خواسته ها هستند.

اما جملات خبری در مورد عالم خارج هستند خبر می دهند می توانند صادق یا کاذب باشد.

در منطق جملات خبری در واقع اهمیت دارد و باید بدانند قضیه همان جملات خبری در منطق در واقع به جملات خبری در منطق قضیه می گوئیم . هر قضیه منطقی سه تا ویژگی دارد ۱- جمله بودن ۲- خبری بودن ۳- با معنا بودن

**نکته:** هر قضیه ای ممکن است مطابق با واقع باشد یا نباشد لذا صادق بودن از شرایط قضیه نیست

و قضیه همان تصدیق است.

### اقسام قضیه : حملی یا شرطی

**قضیه حملی:** به قضیه ای که در آن به صدور به نفع چیزی برای چیزی حکم می شود این یعنی چی؟ یعنی

اگر چیزی را به چیزی نسبت دهیم یا نفی کنیم این نسبت ها را مثلا ربطی دهیم یا ندهیم

مثال: هر مثلثی سه ضلع دارد سه ضلع به مثلث نسبت دادیم

یا شنبه تعطیل نیست تعطیلی از شنبه نفی کردیم سلب کردیم نسبت دادن به قضیه حملی گویند.

**قضیه شرطی:** اگر بین دو جمله اتصال یا انفصال میان دو نسبت برقرار کنیم همیشه شرطی.

مثلا: اگر تلاش کنی موفق می شوی. اگر ادات شرط تلاش کنی حکم اول موفق می شوی حکم دوم

در واقع بین حکم اول و دوم اتصال برقرار کردم اما انفسال ینی جدایی میان دو حکم مثلا بگیم این عدد یا زوج است یا فرد اینجا دیگه اتصالی نیست.

یا نشانه شرطیه انفصالی است.

قضیه حملی همان جمله خبری است اما در ادبیات جمله خبری ساختارش سه جزء است. اما اصطلاحات فرق داره

مثلا در ادبیات هوا سرد است هوا نهاد سرد مسند است فعل ربط درمنطق این اصطلاحات فرق دارد.

در منطق هوا موضوع سرد مفهوم است رابطه یا نسبت از نظر منطق قضیه حملی سه جزء دارد: موضوع، مفهوم، رابطه یا ساختار قضیه حملی.

**نکته:** این همیشه به این صورت نیست که اول باید موضوع بعد مفهوم بعد رابطه باشد ممکنه در خیلی جملات این ترکیب به هم بزنییم مثال: تهران پایتخت است به جای آن بگوییم پایتخت ایران تهران است.

موضوع رفته آخر محمول اومده اول باید مرتبش کنه بگه تهران پایتخت است.

مثال: علی به مدرسه می رود. علی به مدرسه رونده است. علی موضوع به مدرسه محمول است رابطه باید به ترتیب توجه داشته باشید.

قضیه حملی از نظر کیفیت: کیفیت یعنی موجب و سالبه

کمیت: مقدار و اندازه

موجب: ینی رابطه بین موضوع و محمول ایجابی است .

مثلا: ابن سینا فیلسوف است. از نظر کیفیت این موجب است مثبت

محمول یا برای موضوع ربط داده است. این موجب حافظ شاعر است.

سالبه رابطه نفی میکند. مثلا: ابن سینا شاعر نیست. محمول از موضوع سلب شده است

علی دانشجو نیست دانشجو از علی سلب کرده

اگر محمول از موضوع نفی کنیم سالبه اگر ربط دهیم میشه موجب

رابطه سلبی یا موجب همیشه کیفیت رابطه . کیفیت یعنی موجب یا سالبه بودن

قضیه حملی یا شخصی یا محصوره

چگونه تشخیص دهیم شخصی است یا محصوره است: موضوع را پیدا می کنیم اگر جزئی بود شخصی است یعنی یا شخص معین یا مکان معین یا مجموعه مشخص. شخص مثل ابن سینا فیلسوف است جزئی است شخصی است

مکان: تهران پایتخت ایران است. تهران مکان مشخص

مجموعه مشخص جمعیت ایران ۸۰ میلیون نفر است. موضوع جمعیت ایران.

یک مجموعه مشخص جزئی قضیه شخصی است.

**محصوره:** اگر مفهوم، موضوع قضیه کلی باشد قضیه محصوره است. مثلاً بعضی کتاب ها مفید هستند. کتاب ها موضوع کلی می باشد. پس قضیه کلی باشد می شود محصوره.

اجزاء قضیه محصوره: سور، موضوع، محمول، رابطه

سور در واقع قیدی است که در بر سر قضیه می آید و دامنه مصادیق را تعیین می کند. ممکنه کلی باشد هر، هیچ ممکن جزئی باشد بعضی سور در قضایا.

نکته: موضوع قضیه حملی یک مجموعه بود یعنی اگر محمول در مورد تمام مجموعه ها صدق می کرد قضیه شخصی است. مثل جمعیت ایران ۸۰ میلیون نفر است اگر محمول در مورد تک تک مجموعه صدق کند محصوره است مثلاً میگویند مردم ایران مهمان نواز هستند. محمول در مورد تک تک مجموعه ها صدق می کند. قضیه با مصداق کلی همه مصداق های موضوع مدنظر است در جزئی بعضی از مصداق ها مدنظر است.

**دامنه مصادیق موضوع: موضوع قضیه یا جزئی یا کلی**

اگر جزئی باشد قضیه شخصی اما اگر کلی باشد محصوره است. قضیه با سور کلی همه مصداق های موضوع مدنظر است قضیه با سور جزئی بعضی مصداق ها مدنظر است.

نکته: قضیه شخصی با جزئی اشتباه نگیرند، قضیه شخصی موضوعش مفهوم جزئی است. ابن سینا فیلسوف است. علی به مدرسه می رود. اما قضیه جزئی موضوعش مفهوم کلی است ولی سور آن جزئی است. (نکته مهم)

مثلاً بعضی دانش آموزان مدرسه می روند. دانش آموزان موضوع کلی اما سور جزئی

پس قضیه شخصی با جزئی اشتباه نگیرد.

نکته: قضیه از جهت کمیت دو حالت دارد، از جهت کیفیت دو حالت

کمیت: در منطق کل و جزء در ریاضیات مقدار اندازه

کیفیت در منطق موجه و سالبه

قضیه یا موجهه کلیه یا موجهه سالبه یا سالبه جزئیه سالبه کلیه

موجهه کلیه: مثلاً هر دانش آموزی زرنگ است. هر الف به است.

موجهه جزئیه: بعضی دانش آموزان زرنگ هستند. یا بعضی الف ب است.

سالبه کلیه: هیچ دانش آموزی زرنگ نیست. یا هیچ الف ب نیست. بعضی دانش آموزان زرنگ نیستند یا بعضی الف ب نیست. دقت کنید پس اگر قضیه ها از هر و هیچ استفاده کرد از نظر کمیت کلی اگر از بعضی استفاده کرد می شه جزئی. و اگر جمله مثبت بود موجهه و اگر منفی بود سالبه.

**نکته:** گاهی از سورهای متعارفی استفاده می شود که ما باید آن را سورهای منطقی کنیم مثلاً اغلب افراد حاضر نشدند اینجا اگر بخوایم به سور منطقی تبدیل کنیم باید بگیریم بعضی افراد حاضر نشدند. به جای بعضی از اغلب استفاده کردند. یا حتی یک نفر هم حاضر نشد یعنی هیچ فردی حاضر نشد پس اگر قضیه محصوره بود و سور نداشت اگر یک قانون را بیان می کرد سور کلی اگر بیان نکرد سور جزئی است.